

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شمی صلواتی
۲۰ مارچ ۲۰۲۲



شمی صلواتی

«مانسانیم»

دل تنگ و- سخت آزردہ از این همه رنج
غوطہور در جهانی پراز نابرابری و جنگ

با قدرت رسانه‌های معجزه گر غربی که درخت جہل و ریا می کارند و با چشمه های دروغ به ظاهر زلال، آن را
آبیاری می کنند .

«اینک دنیا در سر اشیب سقوط و لجنزار نکبتی به سوی مرگ روان است.»

در این جهان پر از جنایت و نابرابر
من که در آن زیبائی خاصی نمی بینم

در اکراین زنان با کودکانشان مجبور به فرار هستند

زلنسکی خود خواه که قهرمان دروغین رسانه های غربی ست

مردان را هنگام فرار از زن و بچه‌هایش به اجبار جدا تا برای دفاع از وطن به جنگ بفرستند تا قربانی سیاست‌های
غلط و غیر انسانی کند «کاملاً غیر انسانی»

جوگیران غیر مسؤول برای قهرمانی(زلنسکی)که ساخته دست رسانه ها و بازیچه دست رهبران غربی ست هورا
کشان شادمان و هیجان زده‌اند

من مانده ام که این همه جنایت را به حساب کی بنویسم،
روسیه که با تعرض به اوکراین به بهانه تهدید ملی از سوی ناتو،

یابه حساب ناتو و غرب با زیاده خواهی بسیار
که مثل سگ پاسوخته افغانستان را به جنایکاران طالبان و توجیه گران جهل سپردند .

من درمانده و خسته از این جنگها،
نمی دانم در کجای این جهان نابرابر و پر از خشنونت قرار گرفتم
راستش خودمم نمی دانم که متعلق به کدام گوشه از این جهانم.

اشکم را برای کودکان نگوینخت افغانستان به پای کدام درخت پر ثمری که میوه محبت و عدالت داشته باشد بریزیم

آیا من متعلق به افغانستانم، چون همدرد و - با زخمهای عفونی شده مردمان آن دیار آشناتر از آشنام.

در این دنیای پر از درد با اشکهای مادران کدام کشور باید همراه شوم. یمن ، افغانستان، یا اوکراین، چه دنیای پر
دردیست .

«لجنزار دروغ و ریاء»

از نوجوانی تا به امروز من نظاره گر جنگم

وقتی از مدرسه به خانه بر می گشتم خانه ما شلوغ بود
دیدم رفیقهای پدرم با گوش دادن به یک آهنگ کوردی گریه می کنند
آنچه از آن آهنگ به یاد دارم «می روم به سوی شهر بی بهار» بعد گفتند شاه به ملا مصطفی بارزانی خیانت کرد. در
آن شکست صدها یا هزارها انسان کشته شدند، و بعضی ها نیز خودکشی کردند.
روز بعد،

من ناآگاهانه در مدرسه از معلم ابتدائیم که انسانی خوب بود از بارزانی و خیانت شاه سؤال کردم
معلم بیچاره هم از ترس ساواک آنقدر مرا کتک زد که نزدیک بود بمیرم،

مادام در سایه جنگ و یا در آن دخیل بودم
شاهد حمله کشورهای بزرگ شرق و غرب به کشورهای کوچک و غریب بودم
و حمله کشور های کوچک به مردمشان...»

هنوز در شهر بی بهارم .
هنوز با دیدن این مردم جوگیر، امیدی برای رسیدن به بهار در ذهن ندارم.

در عراق شاهد بمباران کیمیایی و کشتار مردم کوردها بودم
البته از قلم نباید بیفتد بمباران کیمیایی امریکا در شهر فلوجه که مردمش عربند، امریکا باعث کشتاربی رحمانه و نابودی آن شهر شد
آن شهر هنوز که بر اثر آلوده شدن محیط زیست به عنوان یک منطقه خطرناک کیمیایی باعث رنج و درد مردم آن دیار است.

شاهد ده ها جنگ دیگر، و با مروری بر تاریخ بشر با کوره های آدم سوزی در قلب اروپا...»

امروز جنگ در یمن وعدم امنیت اجتماعی در ایران و افغانستان، با تعرض نظامی روسیه بنا بر تحریک غرب به اوکراین، رنج ها صد چندان شده است.
در دوران جنگ سرد در جهان آرامشی نسبی وجود داشت، بر اثر رقابت شرق و غرب لقمه نانی هر چند اندک برای ما مردم تنگ دست بود

دنیا امنتر بود امروز بر اثر یکه تازی سرمایه داری آزاد و افسار گسیخته انسانیت رنگ باخته است و جهان به سوی سیستم برده داری مدرن روان است تا برابری.

من هم هنوز در شهر بی بهار، غرق در رویاهای خویشم، شاید دست نیافتنی باشد، شاید فقط یک رؤیا باشد.. اما این رؤیای انسانی را دوست دارم در ذهن من حک شده است.
دوست ندارم ناامید شوم، چون هنوز امیدوارم به این که شاید روزی یک انقلاب جهانی پیکر بی رحم و مریض بازار آزاد را در گورستان تاریخ ثبت کند تا ما ربا لقمه نانی و یک لیوان آب زلال به دور از جنگ و تبعض شریک بسازد ...

ما شایسته این همه درد و رنج نیستیم
ما انسانیم. نمی توانیم به این همه جنایت و نابرابری بی تفاوت باشیم.
شمی صلواتی